



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

گفت‌وگو با مهدی چوپانی نویسنده و فیلمساز کریستوفر نولان اگر در ایران بود هیچکس با او کار نمی‌کرد!



پیش‌بینی است که فیلم‌اش هر چقدر عمیق‌تر و نیازمند به فکر بیشتر و تفسیر باشد، مهجور تر است. من هم آگاهانه این فیلم را ساختم و اعتقادم آن است که پیدا کردن مخاطب از آن جنس سخت شده است، نه اینکه چنین مخاطبی وجود ندارد اما با وجود انبوه سرمایه‌ای که وارد سینما و پلتفرم‌ها شده‌اند به شدت کیفیت کارها پایین آمده و این حرف را قطعاً همه قبول دارند. اگر قبلاً بیست سریال ساخته می‌شد حداقل پنج یا شش اثر از میان آن‌ها خوب بود، اما در حال حاضر هفتاد یا هشتاد سریال در تلویزیون یا پلتفرم ساخته می‌شود که خیلی از آن‌ها قابل اعتنا نیستند و این اضمحلالی که اشاره کردم بر سلیقه هم تأثیر گذاشته است در حالی که در دهه هفتاد همین مردم برای «بیچه‌های آسمان»، «لیلا» یا «یک تکه نان» صف می‌کشیدند.

یکی از پر فروش ترین فیلم‌ها در همان دهه هفتاد، «سگ‌کشی» اثر بهرام بیضایی بود...

دقیقا و الان داریم می‌بینیم که فروش فیلم‌ها به چه صورت است و فیلم‌های عمیق و شایسته چقدر فروخته یا سایر آثار فروش‌هایشان به چه صورت است. بنابراین نیاز به پیش‌بینی من نیست و این فیلم هم با توجه به حمایتی که برای اکران از آن می‌شود، می‌تواند فروش و مخاطب خود را داشته باشد. اما نکته‌ای که هست این یک تقدیر تاریخی برای همه هنرمندان است در تمام زمینه‌هایی که فعال هستند - البته من خودم را فیلمساز مهمی نمی‌دانم - که نقاش‌های مهم، فیلمسازان مهم یا موزیسین‌های مهم بدون توجه به اینکه الزاما میل جامعه چیست و اینکه مخاطب دقیقا چه می‌خواهد، آن کاری را می‌کنند که به روح هنر نزدیکتر است.

به عنوان مثال اگر فیلم «اونپنایمر» فیلمنامه‌اش به دست هر تهیه‌کننده‌ای در ایران می‌رسید به خاطر استفاده از اصطلاحات فیزیکی یا نبود نکات جذاب داستانی، آن را رد می‌کردند اما یک فردی مانند نولان چون جامعه خود را می‌شناسد که تشنه کشف و شهود هستند به بهترین شکل با بالاترین سرمایه یک درام علمی خاص را می‌سازد و استقبال می‌شود. در نتیجه این راه را اگر پیش نگیریم همین اتفاقی می‌افتد که شما بدان اشاره کردید، اصباخبر

وجود این که ممکن است اینگونه نقاط اوج را در فیلم‌هایشان نداشته باشند چگونه می‌توانند ایده را به فیلمنامه تبدیل کنند و همین را برای خودم به عنوان یک چالش قرار دادم.

این امر برایم سوال بود که چگونه می‌توان کارا کتر منفی، به معنای مرسوم و کلاسیک را نداشت اما قصه را برای مخاطبان جلو برد. نکته بعدی این است که در سینمای دنیا ما یکسری فیلم داریم که عده‌ای با حالت تحقیر آمیزی به عنوان (بی مووی) از آن‌ها یاد می‌کنند که از نظر من این آثار اسکلت‌بندی سینمای جهان هستند و در ایران به آن سینمای بدنه می‌گوییم. در سینمای دنیا آثاری را می‌بینیم که به اصطلاح حال خوب کن هستند و باعث تغییر ایدئولوژی یا تغییر دنیای مخاطب نمی‌شوند یا تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیریم اما همیشه به عنوان یک پازل خوش حس در ذهن مخاطب می‌مانند.

این گونه فیلم‌ها معمولا در سینمای آمریکا بسیار ساخته می‌شوند که هیچ کدام فیلم‌های عمیق فلسفی نیستند اما به شدت فیلم‌های ساده و تأثیر گذاری هستند. به نظرم در سینمای ایران این موارد را کم داریم. اگر بررسی کنید، سینمای سودر برگ یا اسکورسیزی و خیلی از فیلم‌های کارگردان‌هایی که تک فیلم‌های خوب دارند مثل «انجمن شاعران مرده» و فیلم‌هایی که از نظر سینمای روشنفکری و هنری و منتقدین ممکن است خیلی آثار شاخص و قدرتمندی نباشند اما تبدیل به فیلم‌های کالت و دوست داشتنی می‌شوند.

من فکر می‌کنم تنها کسی که این قدرت را داشت که چنین آثاری در ایران بسازد و تنه به سینمای فلسفی هم بزند زنده یاد مهر جویی، در فیلم‌هایی مانند «آجاره نشین‌ها» و «مهمان مامان» بود. اینگونه فیلم‌ها در دهه شصت بسیار ساخته می‌شد.

در حال حاضر چه سوژه‌ای دارید که می‌خواهید به آن بپردازید و اینکه اگر فیلم «زینب» اکران شود چه سرنوشتی برای آن رقم خواهد خورد؟

فیلم «زینب» با همه مشخصه‌هایی که دارد آگاهانه ساخته شده است. قطعاً با توجه به شرایطی که بهتر از من می‌دانید در جامعه‌ای که دچار اضمحلال فرهنگی و هنری شده برای هر فیلمسازی قابل

محراب تو کلی - مهدی چوپانی نویسنده، فیلمساز و شاعر جوانی است که از سال ۸۳ با چاپ مجموعه داستان «گفته‌های ناتمام» فعالیت هنری خود را آغاز کرد و در طول این سال‌ها با چاپ مجموعه شعر «مست خیال» که چند شعرش با صدای سینا سرلک در آلبوم «فکرو فریاد» منتشر شد و ساخت چند فیلم داستانی و مستند این مسیر را ادامه داد. اولین فیلم او «آرزوهایت را به خاک نسپار» در سال ۹۳ مورد توجه منتقدین و جشنواره‌ها قرار گرفت و به تازگی فیلم جدیدی به نام «زینب» را آماده اکران دارد. خبرنگار صبا به این بهانه گفت‌وگویی با این فیلمساز داشته است.

از «آرزوهایت را به خاک نسپار» که اولین اثر تان بود بر ایمان بگویند. چگونه به ایده و ساخت آن رسیدید؟

اولین تجربه فیلم بلند برای من سال ۹۲ با ساخت فیلمی ویدیویی و مستقل با عوامل جوان و کمتر شناخته شده اتفاق افتاد که البته فیلم «آرزوهایت را به خاک نسپار» بر خلاف تصور خوب دیده شد و جوایزی را از دو جشنواره معتبر آن سال گرفت و صداوسیما فیلم را خرید و در همان سال که البته تلویزیون شرایط بسیار متفاوتی با این سال‌ها داشت بارها پخش شد. این تجربه در دوره‌ای از سینما اتفاق افتاد که به عقیده من، دیگر اواخر عمرش بود یعنی اواخر دوران فیلم‌هایی که بر مبنای استانداردهای بالای فنی و هنری شکل می‌گیرند. اما مهم‌ترین دستاورد آن‌ها انتقال حس است و به معناگرا مشهوراند.

در باره فیلم «زینب» و اینکه چطور شد که ایده اثر به ذهنتان رسید صحبت کنیم.

این ایده برای حدود سال ۹۲ است و چالش اصلی آن قصه گفتن بدون پارامترهای مرسوم است. همانطور که شما هم می‌دانید، در سینمای ایران در دوره‌ای رسم شد که نقاط اوج قصه‌ها خاص و شبیه هم باشند؛ مثل قتل، قصاص، خیانت و چنین چیزهایی. من که پیگیر سینمای جهان بودم و سینمای آدم‌های خاصی مثل کور یسماکی، میثائل هانکه و آرنوفسکی را دنبال می‌کردم، برایم جذاب بود که با

